

معنی حکایت

به حاتم طایی گفتند: «از خود، بخشنده تر در این دنیا دیده ای یا از کسی درباره ی او شنیده ای؟»

حاتم طایی گفت: «بله، یک روز برای فرمانروایان عرب چهل شتر قربانی کرده بودم و خود برای انجام کاری بیرون رفته بودم. خارکنی را دیدم که بوته های خار جمع کرده است.»

به خارکن گفتم: «چرا به مهمانی حاتم نمی روی که جمعی از مردم بر سر سفره ی او جمع شده اند؟»

حکایت درس یازدهم

حاتم طایی را گفتند: «از خود بزرگ همت تر در جهان دیده ای یا شنیده ای؟»

گفت: «بلی؛ یک روز چهل شتر، قربانی کرده بودم امرای عرب را؛ و خود به گوشه ی صحرا، به حاجتی بیرون رفتم. خارکنی را دیدم، پُشته فراهم نهاده.»

گفتم: «به مهمانی حاتم چرا نروی؛ که خلقی بر سِماطِ او، گرد آمده اند؟»

حکایت درس یازدهم

گفت: «هر که نان از عملِ خویش خورد
مَنْتِ حاتمِ طایی نَبَرَد.»

من او را به همت و جوان مردی از خود، برتر
دیدم.

معنی حکایت

خارکن گفت: «هر کس نتیجه ی کار و تلاش
خودش را بخورد، محتاج کسانی مانند حاتم
طایی نمی شود.»

حاتم طایی گفت: «من خارکن را بخشنده تر
و باگذشت تر از خودم دیدم.»